

نقد فرهنگی

اقدام فرهنگی، به روش غیر فرهنگی

پیرامون دیوارنگاری یادمان دکتر مسکوب در گذر شیرکش گرگان

■ محدثه میرحسینی
کارشناس ارشد مرمت
ابنیه و بافت‌های تاریخی



چندی پیش، اداره زیباسازی شهرداری گرگان اقدام به اجرای نقاشی دیواری چهره دکتر مسکوب، از پزشکان سرشناس اواخر دوره پهلوی اول و پهلوی دوم، بر روی جداری خانه باباصادقیان از آثار ثبت شده‌ی شهر گرگان به شماره ۳۱۰۸۰ در فهرست آثار ملی ایران در گذر شیرکش (آفتاب ۱۸ در خیابان امام خمینی) نمود. مسلماً زنده نگاه داشتن یاد و خاطره‌ی مشاهیر و بزرگان، که در گذشته خدمات ارزنده‌ای به جامعه ارائه کرده‌اند، امری بسیار ارزشمند است و به‌نوعی پاسداشت میراث ناملموس و معنوی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، استفاده از نام و چهره مشاهیر هر شهر، به منظور ایجاد آشنایی عمومی و هم‌چنین حفظ هویت شهری، جزو وظایف فرهنگی شهرداری‌هاست. لکن در مورد

اجرای نقاشی دکتر مسکوب در ورودی کوچه آفتاب ۱۸ (شیرکش) چند نکته لازم به یادآوری است: نخست آن که این اقدام توسط اداره زیباسازی شهرداری گرگان صورت گرفته و مسئله این است که متاسفانه در نهادی چون شهرداری، مفهوم زیبایی، اساساً یک مفهوم کاملاً مبتنی بر سلیقه‌ی فردی بوده، و هیچ دانش و آگاهی نسبت به اصل مبحث «زیبایی‌شناسی» و تعاریف مختلف زیبایی در بسترهای گوناگون، وجود ندارد؛ به عبارت ساده‌تر، در هر دوره مدیریت شهرداری، یا هر دوره مدیریت زیباسازی شهری، بسته به سلیقه مدیران، یا کارمندان زیباسازی شهری نیز مفهومی متفاوت می‌یابد. و یا خیلی ساده‌تر آن که، یک مجری دیوارنگاری شهری، یا تولیدکننده و عرضه‌کننده مبلمان شهری، که دنبال پروژه می‌گردد، با بخشی از شهرداری رابطه برقرار کرده، با شهرداری قرارداد می‌بندد و طبق سلیقه خود و درنهایت با اعمال نظر دو نفر از کارمندان شهرداری، سیما و هویت بصری شهر رقم می‌خورد. این رویه سال‌هاست در شهرداری گرگان رایج بوده و روال عادی شهرداری در جداره‌سازی و فضاسازی شهری محسوب می‌شود. مشکل اصلی و اساسی این جاست که در شهرداری، مانند هر جای دیگری، یا مانند هر ایرانی و هر گرگانی دیگری، اعتقادی به کار تخصصی و کارشناسی وجود ندارد. به عبارت دیگر، همه‌ی بزرگواران خود را صاحب‌نظر و کارشناس می‌دانند. زمانی هم که عملکرد شهرداری در این زمینه مورد انتقاد قرار گرفته و یک موضوع، به عنوان یک اصل، مطرح می‌شود، همان موضوع و اصل بیان شده را با دانسته‌ها و مشاهدات شخصی خود تلفیق کرده، اتفاقی را رقم می‌زنند، که هیچ ارتباطی با اصل بیان‌شده ندارد! به عنوان مثال وقتی صحبت از ساماندهی محورهایی از بافت تاریخی گرگان مطرح می‌شود، بلافاصله در ذهن خود فضایی یکپارچه و یکدست را تصوّر و همان را اجرا می‌کنند، که درنهایت بافت تاریخی ارگانیک شهر، تبدیل به شهرک سینمایی و با یک ماکت نمایشگاهی می‌شود. بدتر از آن، این که این اتفاق، تنها به یک پروژه شهرداری ختم نمی‌شود، بلکه خروجی این نوع عملکرد شهرداری، نوعی الگوسازی غلط برای عموم جامعه بوده و مردم ادامه‌ی این مسیر غلط را با سرعت پیش می‌برند. چنان که در مدتی کوتاه، الگویی بی‌ربط و غیراصیل، تبدیل به بخشی از هویت بصری بافت تاریخی شهر می‌شود!

هنگامی از رفتار و عملکرد شهرداری احساس خطر می‌شود، که در آستانه‌ی تأسیس شهرداری بافت، که قرار است بخشی از مشکلات حقوقی و اجرایی بافت تاریخی را حل کند، همین رفتارهای سلیقه‌ای و غیرکارشناسانه در نخستین بافت ثبت ملی کشور، توسط شهرداری اتفاق می‌افتد. از یک سو، در پی مرمت خانه‌ی تاریخی عابدی به عنوان مکان اداری شهرداری بافت، کف‌سازی میدانگاه محله دوشنبه‌ای با طرحی سلیقه‌ای و ابداعی و ایجاد نقش و نگاری در کف – البته با اجرای بسیار غیراصولی و ضعیف – نشان می‌دهد، تفکر موجود، همان تفکر قدیمی و رایج در شهرداری است، که سال‌ها به ساختار کالبدی

و سیمای شهر آسیب زده و اکنون قرار است به طور متمرکز، این آسیب را متوجه بافت تاریخی نماید؛ و از سوی دیگر وقتی به این اقدام شهرداری در کف سازی محله دوشنبه ای انتقاد می شود و بیان می گردد که الگوی سنگفرش اصیل این محله در زیر آسفالت کنونی موجود بوده و نیازی به این اضافه کاری ها نبوده است. پاسخ کارشناسان شهرداری این است که: «اکنون که شهرداری هزینه می کند، چه اشکالی دارد که کف سازی قشنگ تری اجرا شده و محله را زیباتر کنیم!» در این پاسخ نیز چند نکته وجود دارد؛ اول آن که «قشنگی» و «زیبایی» مفاهیم کاملاً نسبی بوده و اساساً قرار نیست آن چه که از نظر کارشناس محترم شهرداری قشنگ و زیباست، در نظر دیگران نیز قشنگ و زیبا باشد! دوم آن که این پاسخ نشان می دهد که بدنه ای کارشناسی شهرداری به هیچ عنوان با مفهوم بافت تاریخی و ضوابط مداخلاتی آن آشنایی ندارد؛ اساساً مداخلاتی که در بافت تاریخی صورت می گیرد، اولاً به منظور حفظ اصالت بافت و ثانیاً خواناسازی آن با کارکردهای امروزی است. در ضمن آن که بهره برداران بافت، چه سکنه، چه کسبه و چه رهگذران، باید خود را با شرایط بافت وفق دهند، نه آن که بافت با شرایط دلخواه آنان تطبیق یابد. که البته این موضوع مربوط به وجه کارکردی بافت است و ربطی به ساختار بصری آن ندارد. در واقع، از آن جا که «سلیقه» یک مفهوم نسبی است، بنابراین در ساماندهی بافت و بناهای تاریخی هیچ جایگاهی نداشته و صرفاً آن چه که وجود دارد باید عیناً حفاظت، نگهداری و مرمت شود و آن چه که وجود ندارد، با استفاده از الگوهای اصیل موجود و البته در نظر گرفتن ضوابط مرتبط با بازسازی در بافت تاریخی، احیاء شود.

حال برگردیم به موضوع نقاشی یادبود دکتر مسکوب در کوچه شیرکش؛ یقیناً جای جای بافت تاریخی هر شهر، مانند بافت تاریخی شهر گرگان، محل وقوع رویدادهای مختلف و یا مکان تولد، وفات، سکونت و فعالیت چهره های اثرگذار شهر بوده و با داستان و روایتی تاریخی همراه است، که همگی این موارد در کنار آثار کالبدی برجای مانده در بافت، هویت تاریخی و روح اجتماعی بافت را تشکیل می دهند. بنابراین، از یک سو حفاظت و مرمت کالبد آثار و از سوی دیگر یادآوری روح اجتماعی و تاریخی این بافت، هم موجب تعامل ساکنان و رهگذران و گردشگران با بافت تاریخی خواهد بود، هم در حفاظت از این میراث ملی تأثیرگذار بوده و هم در توسعه صنعت گردشگری نقشی اساسی خواهد داشت. لکن آن چه که باید بدان توجه داشت، نحوه ی عملکرد است؛ چراکه گاهی عملکرد غیرکارشناسانه و غلط، نتیجه معکوس برجای گذاشته و ضمن ایجاد دافعه برای ساکنان و رهگذران و گردشگران، صدماتی جبران ناپذیر به میراث ملی وارد خواهد آورد.

علاوه بر مباحث کارشناسی و تخصصی در حوزه ضوابط و قوانین موجود در بافت های تاریخی شهری و هم چنین تعریف درست از مفهوم زیبایی شناسی، یکی دیگر از مشکلات و معضلات عمده در عملکرد دستگاه های دولتی، عدم دسترسی به مطالعات تاریخی دست اول و جامع نسبت به موضوعات شهری

است. از همه مهم‌تر آن‌که عموماً شهرداری و ادارات و نهادهایی مانند آن، به جای آن‌که تلاش کنند تولیدکننده و جریان‌ساز باشند، بیشتر مصرف‌کننده و موج‌سوارند! یعنی به محض مشاهده‌ی یک موج اجتماعی، بلافاصله سوار آن موج شده، به دنبال بهره‌برداری خود هستند. همین ویژگی عمومی که متأسفانه هم‌گریبان جامعه را گرفته و هم جزو عملکرد روزمره‌ی نهادهایی چون شهرداری است، سبب می‌شود به جای آن‌که اقدامات آنان کمکی به هویت تاریخی-اجتماعی شهر نماید، بیشتر به آن آسیب وارد می‌سازد. به‌عنوان مثال در همین موضوع اجرای نقاشی دیواری دکتر مسکوب در ورودی گذر شیرکش (آفتاب ۱۸)، درواقع شهرداری از یک شخصیت اسطوره‌ای معاصر به نام دکتر مسکوب استفاده می‌کند، تا ابزاری برای نمایش خود داشته باشد. درحالی که اگر غیر از این بود، شهرداری باید با استفاده از نظر کارشناسان، بر روی برجسته‌سازی شخصیت‌ها و رویدادهایی کار کند که همانند دکتر مسکوب در طول تاریخ این شهر اثرگذار بوده، اما به هر دلیل ناشناخته مانده‌اند. این رویکرد است که به جریان‌سازی منتهی می‌شود. آن وقت، اگر کاری هم برای دکتر مسکوب انجام شود-البته کاری در شأن و درخور جایگاه ایشان- کاری در روند یک پلان جریان‌سازی فرهنگی کلان خواهد بود. اما کاری که اکنون انجام شده، صرف‌نظر از جانمایی و اجرای سراسر غلط آن، صرفاً استفاده‌ی ابزاری از نام دکتر مسکوب است. همان‌طور که نصب تندیس سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مجاورت ورودی ساختمان شهرداری و تغییرنام ساختمان شهرداری به نام «ساختمان سردار شهید حاج قاسم سلیمانی» نیز از همین دست موج‌سواری‌های شهرداری‌گراگان است. چرا باید نام ساختمان شهرداری، که حداقل از سال ۱۳۰۸ خ بر روی این بنا بوده و میدان مرکزی شهر-نخستین میدان مدرن شهر- نیز نام خود را از همین ساختمان گرفته، به نام دیگری تغییر یابد؟ آیا این نیاز سردار شهید قاسم سلیمانی است؟ یا بهره‌برداری شهرداری از نام این شخصیت؟

مسئله بعدی آن است که عموماً کارشناسان شهرداری، گمان می‌کنند چون با عنوان کارشناس شناخته می‌شوند، در هر زمینه و در هر علمی قدرت کارشناسی دارند! مثلاً در مورد همین گذر شیرکش و ورودی آن، که محل مطب دکتر مسکوب بوده است، هیچ‌گاه با یک کارشناس تاریخ شهری مشورت نمی‌کنند تا پیشینه‌ی این گذر را به درستی بدانند و تنها به دانسته‌های ناقص خود اکتفا می‌کنند. همین معبر ورودی شیرکش (آفتاب ۱۸) پیش از دکتر مسکوب نیز یکی از کانون‌های پزشکی-درمانی شهر استرآباد (گرگان) بوده و شخصیت‌هایی چون شریف‌الاطبا، و بهاء‌الاطباء و... در این جا فعالیت داشته‌اند و همین امر سبب شده که دکتر مسکوب نیز بعد از مهاجرت به گرگان، در این نقطه از شهر ساکن شده و فعالیت حرفه‌ای خود را در این جا متمرکز نماید. یا پیش از آن‌که این گذر به مرکز خدمات درمانی شهر استرآباد (گرگان) تبدیل شود، به دلیل سکونت یکی از مشروطه‌خواهان استرآباد و یکی از کسانی که در بحبوحه

بروز انقلاب مشروطه در مساجد تهران سخنرانی‌های آتشینی داشته، این گذر در سال ۱۳۰۶ خ به نام آن شخص مشهور بوده، کسی که در ادوار آغازین مجلس شورای ملی، نماینده مردم استرآباد در مجلس شورای ملی نیز بوده است.

البته دانستن این‌ها بدان معنی نیست که شهرداری بر روی هر دیواری تصویری از یک شخص و یک رویداد نقاشی کند. بلکه به این معنا است که وقتی این اطلاعات وجود داشته باشد، احتمالاً تصمیم درست‌تری اتخاذ خواهد شد و شاید اقدام درست‌تری هم صورت بگیرد.

مسئله‌ی بعدی این است که اولاً انجام هر عملیاتی در بافت تاریخی تابع ضوابطی است. مثلاً رنگ‌هایی که در جداره‌ها به کار می‌رود، باید در تناسب با رنگ غالب جداره‌های بافت و نسبت به آن‌ها خنثی باشد، تا تنها چیزی که به چشم می‌آید و جلب توجه می‌کند، همان عناصر و جداره‌های تاریخی بافت باشند. البته رنگ زمینه‌ی آبی-آن هم در چنین حجمی که شهرداری اجرا کرده- در هر جای شهر، بیشتر تداعی کننده «استخر» یا «مجموعه ورزش‌های آبی» است، تا هر چیز دیگری! ثانیاً در معبر نسبتاً باریک شیرکش، حجم غول‌آسای نقاشی اجرا شده، هیچ تناسبی با ابعاد فضاها ندارد؛ یعنی اگر فرض کنیم، این کوچه یکی از کوچه‌های بافت تاریخی نبود و جداره‌ی مورد بحث نیز مربوط به یک اثر ثبت شده در فهرست آثار ملی نبود، بلکه یک دیوار ساخته شده با بلوک در یکی از کوچه‌های بافت فرسوده‌ی شهر هم می‌بود، باز این حجم اساساً با عرض معبر در تناسب نیست! صرف نظر از این که شاید همین حجم با یک رنگ زمینه خنثی‌تر، کم‌تر ایجاد شوک کند... و البته با فرض این که نقاشی اجرا شده هم یادآور نقاشی‌های دیواری مهدکودک و کودکستان نباشد!

از تمامی موارد یادشده در بالا که بگذریم، این حجم نامتناسب از نقاشی کودکانه- با زمینه‌ی تداعی کننده‌ی مجموعه‌ی ورزش‌های آبی- بر روی جداره‌ی تاریخی، متعلق به یک اثر ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور، اجرا شده است. یقیناً دکتر محمدرضا مسکوب یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین شخصیت‌های تاریخ گرجان است، و شکی در آن نیست که در راستای حفظ یاد و خاطره‌ی این اسطوره‌ی گرجانی، نباید از هیچ اقدامی دریغ کرد. اما این گونه؟ با آسیب زدن به یک اثر ثبت ملی؟ با یک تصمیم غیرتخصصی و غیرکارشناسی؟ با یک نقاشی کودکانه؟

قطعاً چنین رفتاری و چنین اقداماتی نه در شأن مشاهیر این شهر است، نه به نفع هویت تاریخی آن، نه کمکی به توسعه گردشگری می‌کند و نه تلاشی است در حفظ میراث ملی!

از سوی دیگر، سازمان میراث فرهنگی در سطح کشور و به تبع آن در شهر گرجان و استان گلستان، سال‌ها در تعامل با جامعه و مردم سیاست و عملکردی غلط داشته، این سیاست و عملکرد غلط، سبب شده است که عموم مردم، نهاد میراث فرهنگی را در مقابل و در تعارض با منافع شخصی خود تصوّر کرده و

در برابر آن در یک حالت تدافعی قرار بگیرند و همین برداشت را نسبت به مفاهیم گسترده‌ی «میراث فرهنگی» و «میراث ملی» نیز داشته باشند. در حالی که اصل و اساس مفهوم دو اصطلاح یادشده، یعنی: میراث و سرمایه‌ای که متعلق به عموم مردم و بخشی از هویت آنان است. بنابراین، سیاست‌ها و عملکرد غلط نهادهای متولی، مردم را در تعارض با داشته‌های خود قرار داده است. همین امر سبب شده است که وقتی نهادی چون شهرداری به یکی از داشته‌ها و سرمایه‌های ملی و عمومی چنین آسیبی ایجاد می‌کند، با واکنش عمومی چندانی نیز مواجه نمی‌شود؛ که البته بخشی از این انفعال عمومی به این دلیل است که عموم مردم نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی چندانی نداشته و اساساً روحیه‌ی مطالبه‌گری در آنان مرده است. بخش دیگری از این انفعال نیز تحت تأثیر فشارهای شدید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، که سبب شده، موضوعاتی چون حقوق عمومی نسبت به میراث فرهنگی و طبیعی، از اولویت مطالبات جامعه خارج شود.

در پایان، لازم به یادآوری است که مداخله در آثار تاریخی ملی، دارای قوانین و دستورالعمل‌های مختص خود است، که انتظار می‌رود در شهر گران، که عنوان «نخستین بافت تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور» را به خود اختصاص داده، شیوه‌ی برخورد با بافت تاریخی شهر و بناهای ثبت ملی موجود در آن، به درستی، مطابق قوانین حفظ آثار ملی و با رعایت احترام به این بناها باشد.

بند الف از ماده ششم قانون حفظ آثار ملی کشور، مصوب ۱۲ آبان ۱۳۹۹، در رابطه با مداخله در نمای بناهای ثبت در فهرست آثار ملی چنین است: «الف - منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آن‌ها به اندود و یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آن‌ها ممنوع و مرتکبین آن به موجب حکم محکمه قضایی، به اداء جزای نقدی محکوم خواهند شد و به علاوه معادل خسارتی که به واسطه عمل خود بر آثار ملی وارد ساخته‌اند، می‌توان از ایشان اخذ نمود».

بنابراین، انتظار می‌رود مسئولین و کارشناسان اداره‌هایی مانند زیباسازی شهری، سازمان سیما و منظر، فضای سبز و مانند آن که زیرمجموعه شهرداری هستند، نسبت به محدوده‌ی بافت تاریخی و آثار ملی و محیط پیرامون آن‌ها، نگاهی متفاوت داشته و چنانچه در مجموعه شهرداری نیروی کارشناس این حوزه و نگاه کارشناسانه در این رابطه وجود ندارد، می‌بایست برای هر اقدام در محدوده‌ی بافت تاریخی و در رابطه با آثار ملی، از اداره کل میراث فرهنگی استان استعلام و از نظرات کارشناسان مسلط به ضوابط و قوانین مرتب بر بافت‌های تاریخی، استفاده کنند.



